

*Research Article*

## A Comparative Study of Romantic Themes in the Poetry of Houshang Ebtahaj and Latif Helmet

Barat Mohammadi<sup>1\*</sup>, Asmeen Ismail<sup>2</sup>

### Abstract

The poems of Houshang Ebtahaj, a contemporary poet of Persian literature, and Latif Helmet, a contemporary Kurdish poet, have similarities in terms of content and theme and within the framework of romantic literature. The current research aims to examine the poems of these two poets with the approach of content analysis and with the interpretative support taken from the school of romanticism in both individual and social romanticism levels. For this purpose, first all the poems of Ebtahaj and Helmet were studied and analyzed, then the poems with romantic themes (both social romanticism and individual romanticism) were extracted. Then, the thematic classification of these poems under two levels of individual romanticism and social romanticism has been discussed. The results of the research show that, in total, 103 samples of poetry from the collection of poems of both poets contained romantic themes (52 of Helmet's poems and 51 of Ebtahaj's poems), of which 27 (26%) have the triple themes of individual romanticism (love, Individual ethics and the instability of the world) and 76 cases (74%) had romantic themes of social romanticism, which were classified into five main categories, which are: poet's commitment, social harms such as poverty, hunger, etc. Awakening and praising freedom, condemning power, oppression and war, glorifying the displacement of values and anti-values. Based on this, both poets have prioritized the social aspect of romanticism over individualistic and personal concerns, and both poets can be given the title of poets of commitment and social commitment.

**Keywords:** Contemporary Literature, Comparative Literature, Romanticism, Houshang Ebtahaj, Latif Helmet

**How to Cite:** Mohammadi B, Ismail A., A Comparative Study of Romantic Themes in the Poetry of Houshang Ebtahaj and Latif Helmet, Journal of Comparative Literature Studies, 2024;18(70):67-92.

1. Ph.D. in Persian language and literature, assistant professor of Persian language and literature department, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

2. Master Student of Islamic Azad University, Urmia Branch, Urmia, Iran

## بررسی تطبیقی مضامین رمانتیستی در شعر هوشنگ ابتهاج و لطیف هلمت

برات محمدی<sup>۱</sup>، اسمین اسماعیل<sup>۲</sup>

### چکیده

اشعار هوشنگ ابتهاج شاعر معاصر ادب فارسی و لطیف هلمت شاعر معاصر کرد از نظر محتوا و مضمون و در چارچوب ادب رمانتیستی دارای مشابهت‌هایی هستند. پژوهش حاضر بر آن است تا اشعار این دو شاعر را با رویکرد تحلیل محتوا و با پشتوانه‌ی تفسیری برگرفته از مکتب رمانتیسم در هر دو سطح رمانتیسم فردی و اجتماعی بررسی کند. به این منظور ابتدا تمام اشعار ابتهاج و هلمت مطالعه و بررسی شدند سپس اشعاری که دارای مضامین رمانتیستی (چه رمانتیسم اجتماعی، چه رمانتیسم فردی) بودند استخراج شدند. سپس به طبقه‌بندی مضمونی این اشعار ذیل دو سطح کلان رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی پرداخته شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در مجموع، ۱۰۳ نمونه‌ی شعری از مجموعه اشعار هر دو شاعر حاوی مضامین رمانتیستی بودند (۵۲ مورد اشعار هلمت و ۵۱ مورد شعر ابتهاج) که تعداد ۲۷ مورد (۲۶ درصد) آن دارای مضامین سه‌گانه‌ی رمانتیسم فردی (عشق، اخلاق فردی و ناپایداری دنیا) و تعداد ۷۶ مورد (۷۴ درصد) آن دارای مضامین رمانتیستی از نوع رمانتیسم اجتماعی بود که در پنج دسته اصلی طبقه‌بندی شدند و عبارتند از: تعهد و التزام شاعر، آسیب‌های اجتماعی چون فقر، گرسنگی و ...، بیدارگری و ستایش آزادی، نکوهش قدرت، ستم و جنگ، شکوه از جابه‌جا شدن ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها. بر این اساس، هر دو شاعر، جنبه‌ی اجتماعی رمانتیسم را بر دغدغه‌های فردگرایانه و شخصی مقدم دانسته‌اند و می‌توان به هر دو شاعر لقب شاعران تعهد و التزام اجتماعی را بخشید.

**واژگان کلیدی:** ادب معاصر، ادبیات تطبیقی، رمانتیسم، هوشنگ ابتهاج، لطیف هلمت

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد ارومیه دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، ارومیه، ایران

## مقدمه

شعر رمانتیستی علاوه بر فرم و ظاهر کلام، در محتوا و مضمون نیز دارای مختصات و معیارهایی است که مرز و تمایز میان این مکتب فکری و ادبی را با سایر مکاتب ادبی روشن می‌سازد. «شعر رمانتیک، شعری پیشرو و جهانی است و تنها در پی آن نیست که انواع جداگانه شعر را از نو با یکدیگر همراه کند. شعر رمانتیک باید شعر را زنده، پرشور و اجتماعی کند و زندگی و اجتماع را شاعرانه سازد» (فورست، ۱۳۹۱: ۶۹-۷۰).

مکتب رمانتیسم با شاخصه‌ها و مختصات خاص خود گستره‌ی وسیعی از ادبیات جهان را در خود می‌گیرد. سخنانی که صاحب‌نظران درباره‌ی تعریف رمانتیسم در دست است، تناقض و گاه تضادهایی را در این خصوص مطرح می‌کند. برخی از محققان، رمانتیسم را مدلولی می‌دانند که فاقد دال است و برخی دیگر به جای رمانتیسم از رمانتیسم‌ها سخن گفته‌اند (رک. جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۷). رمانتیسم در یک تعریف مشهور، به عنوان نهضتی ادبی و فلسفی با محوریت تخیل به جای تعقل، توصیف شده است. «رمانتیسم در واقع نهضتی فلسفی و ادبی است که در زمنیه‌ی ادب به رجحان احساس و تخیل به جای استدلال و تعقل تأکید دارد و منادی آزادی مطلق هنرمند از قیود شعری از جمله بندهای عروضی است» (دادخواه و حیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

برخی دیگر نیز مکتب رمانتیسم را نهضتی می‌دانند که در قیام علیه اصول خشک مکتب کلاسیک و رهایی از سیطره‌ی اصول هنری غیر قابل انعطاف شکل گرفته است (رک. مندور، ۱۹۹۵: ۱۰۳).

رمانتیسم اجتماعی، درآمدی است برای ادبیات رئالیستی و در این مکتب، هنرمند بر آن است تا از چارچوب و فرم محدود فردیت بیرون آید و به سطحی مطلوب از ادراک نسبت به جامعه و محیط پیرامون خود برسد. شاعر رمانتیست از نوع رمانتیسم اجتماعی، احساس و عواطف خود را با احساسات اجتماع و محیطی که در آن به رمی برد، در می‌آمیزد و به نوع التزام و تعهد در قبال اندیشه‌ها و رخدادهای اجتماع خود می‌رسد. بر این اساس شاعران متمایل به رمانتیسم اجتماعی، در همان حال که اصول جوهری مکتب رمانتیسم را حفظ می‌کنند، از رمانتیسم فردگرایانه به سطحی بالاتر قدم می‌نهند و به دردها و آسیب‌های اجتماعی همچون فقر، ستم، بیکاری، بی‌عدالتی و مانند آن می‌پردازند. شاعری که به رمانتیسم اجتماعی گرایش دارد، احساس، عواطف، اندیشه‌ها و حتی منافع اجتماع را بر عواطف شخصی و زندگی خصوصی خود برتری می‌دهد و در برابر تمام آسیب‌های اجتماعی پیرامونش اظهار درد و فریاد می‌کند (رک. فرشیدور، ۱۳۸۲: ۷۴۲؛ سیدحسینی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۷۰). بر این اساس، مضامینی چون نابرابری‌ها، مضامین اخلاقی در هر دو سطح اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی، آرمانگرایی، توجه به سیاست و داشتن گفتمان انقلابی و بیدارگرانه، خلق تصاویری مبتنی بر مؤلفه‌های اجتماعی و مواردی نظیر آن به عنوان چارچوب محتوایی مکتب رمانتیسم از نوع رمانتیسم اجتماعی با محوریت تخیل و آرمان‌گرایی، قابل توصیف است. «رمانتیسم جامعه‌گرا در کنار احساسات، عشق‌ها و دردهای شخصی، از مشکلات محیط، دردها و غم‌های اجتماع و ملت خود غافل نمی‌ماند» (حسین‌پورچافی، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

مهم‌ترین عاملی که سبب ظهور و گسترش جریان رمانتیسم اجتماعی در آثار ادبی معاصر فارسی و کردی شد، اوضاع سیاسی - اجتماعی مشابهی بود که در ادب هر دو ملت رخ داد. پس از جنگ جهانی دوم، اوضاعی که برای بسیاری از کشورهای خاورمیانه و بویژه دو کشور ایران و عراق پیش آمد، سال‌هایی پر از خفقان و آسیب اجتماعی بود. «در ایران کودتای ۲۸ مرداد، تأثیر فراوانی بر شعر و نثر فارسی نهاد و رمانتیسم اجتماعی نیز در نیمه اول دههٔ سی، خاصه پس از کودتای ۲۸ مرداد رخ نمود و گروهی از شاعران و نویسندگان را تحت تأثیر قرار داد و این جریان شعری را به راه انداختند» (حسین‌پورچافی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). به موازات همین وقایع سیاسی در کشور عراق نیز پیامدهای جنگ جهانی دوم، وضعیت مشابهی را از نظر فکری و ادبی شکل داده بود. شاعران معاصر کرد در کشور عراق، توجه خاصی به مضامین اجتماعی و رمانتیستی از نوع جامعه‌گرا داشتند.

### بیان مسأله

پژوهش‌های تطبیقی به عنوان پل‌های معرفتی و شناختی در حوزه‌ی نقد ادبی راهگشای کشف بسیاری از پیوندهای فرهنگی، ادبی، تاریخی و ادبی ملت‌هایی است که باورداشت‌هایشان از رهگذر متون ادبی قابل بازنمایی است. پیوند میان دو ادب همسایه (فارسی و کردی) و وجوه اشتراک و افتراق این دو، بویژه در حوزه ادب معاصر سبب شده تا پژوهشگران رشته‌های ادبی و زبانی با گرایش‌های متفاوت دست به بررسی‌های مقایسه‌ای در میان این دو ادب بزنند. لطیف هلمت از جمله شاعران نوپرداز ادب کردی است که به سبب آشنایی‌اش با ادب ملل و بویژه ادب فارسی، گزینه مناسبی برای بررسی‌های مقایسه‌ای و تطبیقی است. در میان شاعران معاصر ادب فارسی، هوشنگ ابتهاج، شاعری است که اشعار لطیف هلمت قرابت‌های ادبی و تکنیکی نسبتاً زیادی با اشعار وی دارد.

پژوهش حاضر با رویکردی مقایسه‌ای کوشیده است با تکیه بر مضامین رمانتیستی، اشتراکات میان اشعار دو شاعر فارس و کرد (هوشنگ ابتهاج و لطیف هلمت) را بررسی کند و با طبقه‌بندی موضوعی اشعار رمانتیستی هر دو شاعر نشان دهد که اولاً هر یک از مضامین رمانتیستی اعم از رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی با چه بسامدی در اشعار دو شاعر به کار رفته است. ثانیاً دلیل نحوه‌ی توزیع انواع مضامین مذکور در اشعار هر دو شاعر چیست. ثالثاً وجوه اشتراک و افتراق اشعار رمانتیستی دو شاعر کدامند و چه ارتباطی با نحوه‌ی توزیع مضامین رمانتیستی در اشعار دو شاعر دارند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دو مبحث اصلی ادب رمانتیستی و ادب تطبیقی به طبقه‌بندی و تحلیل تطبیقی اشعار رمانتیستی دو شاعر معاصر فارس و کرد دست زده است. به این منظور ابتدا نمونه‌های شعری مربوط به نوع رمانتیستی هر یک از دو شاعر در مجموعه‌ی آثارشان استخراج شد و سپس پژوهشگر به طبقه‌بندی موضوعی هر یک از این اشعار پرداخت. این داده‌سازی در نهایت نتایجی را آشکار ساخت که با توجه به بسامدها و میزان توزیع هر یک از مضامین رمانتیستی در آثار دو شاعر و تفاوت‌ها و شباهت‌های میان این دو، نتایج تحقیق تبیین شد. با توجه به ضرورت بررسی آثار ادبی فارسی و کردی بر اساس رویکردهای نوین تحلیل محتوا جهت درک و دریافت بهتر

ساختار و محتوای این آثار و از آنجا که پژوهشی منسجم و آکادمیک مشابه با تحقیق حاضر در این حوزه تاکنون انجام نشده است، این پژوهش می‌تواند علاوه بر راهگشا بودن در کشف برخی سوبه‌های پنهان هر دو متن، فتح بابی برای تحقیق‌های گسترده‌تر بر روی آثار این دو شاعر متعلق به دو ادب فارسی و کردی باشد. بر این اساس پژوهش حاضر کوشیده است تا با رویکردی تلفیقی و با به‌کارگیری ابزارهای توصیف شده در روش تحقیق، به تحلیل برخی از اشعار - با درونمایه‌ی رمانتیستی - هوشنگ ابتهاج، شاعر معاصر ادب فارسی و لطیف هلمت شاعر معاصر کرد، بپردازد.

### پیشینه و ضرورت تحقیق

انوشیروانی (۱۳۹۸)، به آسیب‌شناسی مطالعات تطبیقی در ایران پرداخته است. نجومیان (۱۳۹۱) مدعی است، با توجه به رویدادهایی که در چند دهه اخیر در حوزه ادبیات تطبیقی رخ داده است، نیاز به تعریف تازه‌ای از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی است. جبوری غزول (۱۳۹۳)، عباس زیدی (۱۳۸۸)، ساجدی صبا (۱۳۸۳) و دیگران پژوهش‌هایی در حوزه ادبیات تطبیقی در قالب مقاله نگاشته‌اند که کم و بیش تکرار همان تعاریف و کارکردها و ابزارهای پیشین است. ربیعی و همکاران (۱۳۹۸) با ارائه دسته‌بندی خاصی از مضامین تعلیمی، این مضامین را به چهار دسته فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرده و نمونه‌های این مضامین تعلیمی را در آثار اخوان ثالث نشان داده‌اند. رضی (۱۳۹۱)، با دسته‌بندی کارکردهای ادبیات به نتایجی در این زمینه دست یافته است. وزیري مهر و همکاران (۱۳۹۸)، با هدف نمایان ساختن و تحلیل و بررسی جلوه ادبیات تعلیمی، ادبیات انقلاب و جنگ در آثار کودک دهه شصت قلم زده‌اند. ادبیات فارسی و کردی به دلیل همجواری و تأثیر و تأثر، همواره در راستای پژوهش‌های ادبی با رویکرد تطبیقی بوده و از این منظر زوایای مختلفی از ادبیات کردی و فارسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. هلمت و ابتهاج دو شاعر نوپرداز (کرد و فارس) هم در شیوه سرایش شعر و بویژه نگرش و جهان‌بینی همسانی‌های فراوانی دارند. نوع رویکرد دو شاعر به ادبیات رمانتیستی هم یکی از این مباحث است که در پژوهش حاضر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و با توجه به این که توجهی به این زمینه پژوهشی نشده است، در نوع خود پژوهشی ارزشمند و تازه است.

## مضامین رمانتیستی در شعر ابتهاج و هلمت

### التزام به تعهد اجتماعی

گرایش به مکتب تعهد و التزام در هنر پس از نهضت مشروطه و با ظهور نمونه‌های معاصر در ادب فارسی گسترش یافت. شاعران و نویسندگان به عنوان روشنفکران اجتماع، بویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خود را ملتزم به انجام رسالت اجتماعی‌اشان می‌دانستند. بر این اساس مضمون التزام به رسالت اجتماعی در کنار عواطف فردی همواره در شعر بسیاری از شاعران معاصر به چشم می‌خورد.

### التزام به تعهد اجتماعی در شعر ابتهاج

هوشنگ ابتهاج در مقام شاعر غزل معاصر، همواره در کنار عواطف فردی و رویکرد غنایی خود، به رسالت اجتماعی‌اش در مقام شاعر و روشنفکر اجتماع توجهی ویژه داشته است. وی هرگز خود را در دغدغه‌های منحصرافردی محصور نکرد و در عاشقانه‌ترین اشعارش دغدغه‌ی اجتماع و هم‌نوعش را داشته و این نکته را می‌توان با تحلیل اشعارش نشان داد.

درین سرای بی کسی کسی به در نمی‌زند  
به دشت پر ملال ما پرنده پر نمی‌زند  
یکی ز شب‌گرفتگان چراغی بر نمی‌کند  
کسی به کوچه‌سار شب در سحر نمی‌زند  
چه چشم پاسخ است ازین دریچه‌های بسته‌ات؟  
برو که هیچ کس ندا به گوش کر نمی‌زند.

(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۷۹ و ۸۰)

فضایی که در شعر فوق توصیف شده است، جلوه‌ای از رکود، یأس و ناامیدی ناشی از دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ است. در این دوره شاعران ملتزم، به شکوه از بی‌تعهدی و انفعال دیگران و تنهایی خودشان روی آوردند. شعر زمستان اخوان ثالث نیز توصیفی نظیر همین شعر ابتهاج را پیش چشم خواننده می‌نهد. ابتهاج نیز در این شعر با بهره‌گیری از استعاره، جامعه را به سرا و منزلی تشبیه کرده است که کسی از سر آگاهی و درد بر در نمی‌زند و علیرغم آن همه اندوهی که شاعر و هم‌نوعان شب‌گرفته‌اش دارند کسی چراغی نمی‌افروزد تا امیدی به سحر و روشنی در آن یأس و تاریکی باشد. شکوهی شاعر از نبود هم‌فکر و هم‌درد و هم‌رزم در شعر، به طور ضمنی، دال بر دغدغه‌مندی شاعر و غافل نشدن از رسالت و تعهد اجتماعی او خواهد بود.

آبی که برآسود زمینش بخورد زود  
دریا شود آن رود که پیوسته روان است  
از داد و داد ان همه گفتند و نکردند  
یارب چه قدر فاصله‌ی دست و زبان است.

(همان: ۱۷۲)

شاعر در شعر فوق سرنوشت دو نوع آب را بیان کرده است: نخست آبی که راكد و منفعل است و حرکتی ندارد؛ دوم آبی که روان است و پیوسته در جنبش و حرکت است. در این شعر، **شاعر با بهره‌گیری از گفتمانی بیدارگرانه و انقلابی و در مقام تمثیل**، گزاره‌هایی ترغیبی را مطرح می‌کند که پیوند اساسی با رمانتیسم اجتماعی دارد. در ادامه نیز به یکی دیگر از مضامین اصلی مکتب رمانتیسم اجتماعی (شکوه از بیداد) اشاره شده است.

### التزام به تعهد اجتماعی شاعر در شعر لطیف هلمت

لطیف هلمت، شاعر معاصر کرد، در ادب معاصر کردی از جمله شاعران رمانتیست ملتزم به رسالت و تعهد اجتماعی به شمار می‌آید. **مضامین میهنی**، دست گذاشتن بر روی **زخم‌های شهر**، اظهار درد نسبت به **آسیب‌های اجتماعی** و اظهار **تعهد شاعر نسبت به هم‌نوعان** و پدیده‌های پیرامون، از جمله مضامین شعری است که در مجموعه اشعار سه جلدی لطیف هلمت و بویژه در جلد نخست آن با بسامد بالایی به چشم می‌خورد. در این بخش از تحقیق به منظور مقایسه کردن اشعار هلمت با ابتهاج برخی از مضامینی که در شعر این دو شاعر دارای همانندی است بیان می‌شود و بر اساس یافته‌ها و قراینی که در شباهت کاربرد وجود دارد می‌توان ادعا کرد که لطیف هلمت در بسیاری از این موارد، به مانند ابتهاج عمل کرده است. بر این اساس اگر حتی تأثیرپذیری مستقیم سبکی، اندیشگانی و اعتقادی هلمت از ابتهاج نیز مطرح نباشد می‌توان فرضیه همانندی و شباهت را به ویژگی‌های سبکی دوره‌ای و زمانی نسبت داد. قرابت زمانی دو شاعر و تقدم نسبی ابتهاج نسبت به هلمت تأییدگر تأثیر و تأثر در شعر این دو شاعر است و آگاهانه بودن یا ناآگاهانه بودن آن در اولویت بعدی جای می‌گیرد.

که شاعیره خه ساوه کان له ژیر میژی باره کاند	آن گاه که شاعران خواجه زیر میز کاباره‌ها
میزیان ده کرد	می شاشیدند
هه زاره هه ره‌ش و پرووت	هزاران بی سرپناه
له‌م شاره‌دا له برسا مرد	در این شهر از گرسنگی مردند
نه شاعیری	نه شاعری
نه ئیزگه بییک	نه روزنامه‌ای
رؤژنامه بییک	نه رسانه‌ای
باسیان نه کرد	سخنی از وی نگفتند

(هه‌لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۲۴۸)

لطیف هلمت در شعر فوق بر **شاعران بی‌تعهد** و سست‌قلم می‌تازد و با توصیف فضای ذهنی و دغدغه‌های محقّر برخی از این شاعران و ایجاد تقابلی برجسته میان فضای مذکور و اوضاع نابسامان

اجتماع، به شدت نسبت به بی‌تعهدی و عدم التزام شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگاران (اهل قلم) در برابر دردها و **آسیب‌های اجتماعی** انتقاد می‌کند.

چون شعرم تشنه رود	چوونکه شیعرم تینووی چه می
آفتاب نو لب کوه است	خوری تازه ی دم که له
چون شعرم آواز	چوونکه شیعرم به‌سته ی ده می
همه کودکان وطن است	همه موو منالانی گه له
چون شعرم کارد زهرآلود	چوونکه شیعرم چه قوی ژه‌هراویی ناوزامی
زخم غاصب است	داگیرکهره
چون شعرم خیمه‌گاه هزاران هزار	چوونکه شیعرم ره‌شمالی هه‌زاران هه‌زار
از خانه رانده و دربه‌در و آواره است	ده‌رکراو و ده‌ربه‌ده‌ره
چون شعرم در دست همه ستم‌دیدگان	چوونکه شیعرم به دهس هه‌موو مافخوراوانی
روی زمین خنجر است	زه‌وییه‌وه خه‌نجره
از من بیزارند و	له بهر نه‌وه رقیان لی‌مه و
شعرهایم را رجم می‌کنند	شیعره کانم ره‌جم ده‌که‌ن
هرکه ناپاک	چی ناپاک و
و سودجو و	هه‌لپه‌رست و
دروغگو و	درؤزن و
نوکر است	نؤکهره

(هه‌لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۵۹۸)

لطیف هلمت، آگاهانه برای کودکان و آوارگان و تهیدستان و ستم‌دیدگان سروده است. شخصیت‌های محوری اشعار وی همین دست انسان‌های دردکشیده اجتماع هستند. از این روی، **دغدغه‌های اومانیستی** لطیف هلمت در اشعار وی به طور برجسته‌ای انعکاس یافته است. در شعر فوق شاعر از کودک، آواره، ستم‌دیده و تهیدست سخن گفته و شعرش را صدای این افراد می‌داند تا بدین گونه، ارکان رمانتیسم اجتماعی را در شعر خود قوت بخشد و میزان تعهد و التزامی را که نسبت به پدیده‌های اجتماعی پیرامون خود دارد به مخاطب انتقال دهد. بدیهی است که انسان‌های سودجو و نوکر، شعر چنین شاعری نمی‌پسندند به همین سبب شاعر در بخش پایانی شعر به همین نکته اشاره کرده است.

شاعیریک نیم	شاعری نیستم
که هز بکه‌م به ده می گشت کچی‌کوه	که مایل باشم دهان هر دختری
به گوئی هه‌موو مه‌مکی‌کوه	یا نوک هر پستانی



جای سرانگشتان و لبهای من باشد	جیّ پهنجه و جیّ لیوم هه بیّ
من آن شاعرم	ئه و شاعیره م
که دوست دارم	که هه ز ده که م
در رگ هر بلوطی	له ره گی هه ره به رووینکدا
بوی خون و	بوئی خوین و
در دهان هر کودکی	له ده می گشت منالیکدا
نامم باشد	نیوم هه بیّ

(هه لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۶۰۳)

شاعر در شعر فوق نیز بار دیگر بر تقدم و رجحان مضامین مربوط به رمانتیسم اجتماعی نسبت به عواطف فردی و شخصی صحنه گذاشته است. هلمت در این شعر به صراحت اعلام می کند که دغدغه وی عشق ورزی به زیباییان و پرداختن به احساسات و عواطف فردی نیست بلکه وی دوست دارد که **شاعر اجتماع و فریاد کودکان** باشد و مانند درخت بلوط به **نماد مبارزه و مقاومت** بدل شود. در این شعر، لطیف هلمت اندکی از ابتهاج نیز فاصله می گیرد و به تمامی درونمایه‌ی غنایی شعر را بی اعتبار می سازد. شاعر در شعر فوق به مانند شاعران نهضت بیداری در شعر فارسی، معتقد است که چه معنی دارد شاعر یک دستش جام باده باشد و دست دیگرش زلف یار؟ شاعر باید در اختیار اجتماع باشد و به عنوان فردی متعهد و ملتزم به مسایل اجتماعی بپردازد.

آه همه وحشت من از آن است	ئای ئه ترسم
در فصلی	له وه ره زیکدا که مرؤقی تیا قر ده کریّ
که انسان را چون سوسک نابود می کنند	وه ک قالوئچه
که میهن را چون کارتون می سوزانند	که ولّاتی تیا ده سووتیّ
سرم آبدستخانه‌ای شود و	وه ک مقه با
چشم کفشی شود و	سه رم بیی به ده سشور و
خونم مر با	چاوم بیی به پیلاو و
	خوینم بییت به مره با

(هه لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۶۷۸)

لطیف هلمت در شعر فوق بار دیگر در مقام شاعری متعهد و ملتزم در برابر انسان و میهن ظاهر شده است. وی همواره درد وطن و انسان را داشته و علاوه بر **مضامین میهنی** در مقیاسی وسیع تر، **شعری انسان گرایانه** و اومانستی را پیش چشم خواننده گذاشته است. نگرانی شاعر در نمونه‌ی شعری فوق آن است که در عصری می زید که مفاهیمی چون انسان و میهن دارای ارزش نیستند و به آسانی نابود می شوند.

## آسیب‌های اجتماعی

شاعران رمانتیست به عنوان انسان‌هایی متعهد و ملتزم همواره به ستایش التزام در برابر دردهای اجتماعی پرداخته‌اند؛ در مقابل، نكوهش بی‌تعهدی و انفعال در برابر آسیب‌های اجتماعی از جمله، فقر، بیکاری، بی‌عدالتی و مانند آن در شعر این دست شاعران به شکلی برجسته بازنمایی شده است. شاعر به عنوان روشنفکر و فردی متعهد به مسؤلیت اجتماعی خود، درد جامعه را می‌بیند بر آن انگشت می‌نهد و آن را با زبان شاعرانه نشان می‌دهد. شعر این دست شاعران در زمره‌ی ادب رمانتیستی و از نوع رمانتیسم اجتماعی جای می‌گیرد.

## آسیب‌های اجتماعی در شعر ابتهاج

عشق من و تو؟

آه این هم حکایتی است اما درین زمانه که درمانده هر کسی از بهر نان شب

دیگر برای عشق و حکایت مجال نیست

شاد و شکفته در شب جشن تولدت تو بیست شمع خواهی افروخت تابناک امشب هزار دختر هم سال

تو ولی خوابیده اند گرسنه و لخت روی خاک

زیباست رقص و ناز سرانگشتهای تو بر پرده های ساز

اما هزار دختر بافنده این زمان با چرک و خون زخم سرانگشت های شان

جان می کنند در قفس تنگ کارگاه

از بهر دستمزد حقیری که بیش از آن پرتاب می کنی تو به دامان یک گدا

وین فرش هفت رنگ که پامال رقص توست

از خون و زندگانی انسان گرفته رنگ

در تار و پود هر خط و خالش هزار رنج

در آب و رنگ هر گل و برگش هزار ننگ

(ابتهاج، گالیا)

شاعر در شعر فوق به صراحت به «فقر، گرسنگی، بیکاری، رنج کارهای سخت و نابرابری اجتماعی»

به عنوان آسیب‌ها و دردهای اجتماع خود اشاره کرده است.

اینجا به باد رفته هزار آتش جوان

دست هزار کودک شیرین بی گناه

چشم هزار دختر بیمار ناتوان

(همان)

**معصومیت کودکان در جهان پراز معصیت بزرگان** در شعر فوق بازنمایی شده است. پرداختن به مضمون معصومیت کودکان از جمله مضامین اجتماعی است که شاعران با گرایش رمانتیسم اجتماعی آن را مطرح می‌کنند و در شعر فوق این گزاره به صراحت دیده می‌شود.

کودک من کودک مسکین  
از برای تو دردهایی کور چشم می‌پاید  
در شکیب انتظار سالهای دور  
وینک اینجا من با تلاش طاقت رنج‌آزمای خویش چشم می‌پایم  
برای تو شادی فردای خندان را  
کودک من کودک شیرین

(ابتهاج، دید / شبگیر)

در شاهد شعری فوق نیز، ابتهاج به مانند شاهد قبلی، بار دیگر به **مضمون کودکان اجتماع** پرداخته است و برای آنان وعده و امید فردای بهتر و شادتر را متصور می‌شود.

### آسیب‌های اجتماعی در شعر هلمت

لطیف هلمت در شعر کردی به **شاعر گرسنگان و تهیدستان و کودکان رنج دیده** شهرت دارد. در بیشتر اشعار رمانتیستی هلمت، نشانه‌هایی از مضمون کودک‌دوستی، تکریم فقرا و بیان درد تهیدستان دیده می‌شود.

تۆ بۆ له و منالانهوه فییری خۆشی نابی  
که سه‌ره‌پای برسیتی و ئاواره‌یی  
هموو شه‌قام و کۆلان و په‌نچه‌ره‌کان  
پر له کۆتری گۆرانی شادی و  
هه‌راهه‌رای به‌تام ده‌که‌ن  
گه‌وره‌ترین تاوانی مرۆف ده‌سکاری کردنی  
تو چرا از آن کودکان، دلخوشی را  
نمی‌آموزی  
که علی‌رغم گرسنگی و آوارگی  
تمام خیابان و کوچه و پنجره‌ها را لبریز از  
کبوتر ترانه شادی و همهمه‌ی شیرین شاد  
می‌کنند

راستییه بزگترین گناه انسان دستکاری کردن حقیقت است

ده‌سکاری کردنی وشه، ناو، پوخسار...

بیروباوه‌ر، میژوو، ناو‌نیشان

نیشتمان...

ئه‌م چه‌رخه چه‌رخه ده‌سکاری کردنه

ئای توخوا ده‌سکاریی نامه و شیعه‌ره‌کانم نه‌که‌ی

(هه‌لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۴۹۴ و ۴۹۵)

در شعر فوق شاعر، کودکان فقیر و آواره را ستایش می‌کند که علیرغم آوارگی و فقر، دلخوش هستند و انسان‌هایی که به مراتب اوضاع و پایگاه اجتماعی مناسب‌تری دارند در جستجوی دلخوشی هستند. **همزیستی شاعر با مردمان آواره** و تهیدستی که در کشور عراق و به طور مشخص در اقلیم کردستان به سبب جنگ و پیامدهای ناگوار آن به سر می‌برند، سبب شده است تا شاعر احساس همدردی بیشتری با این گروه از مردمان اجتماع داشته باشد. به همین سبب مضمون دردهای این گروه از انسان‌های جامعه به شعر هلمت راه یافته و دارای بسامد نسبتاً بالایی است.

کاتی بووکه شووشه‌ی ده‌ستی	آن‌گاه که عروسک‌های دست
منالانی خپوه‌تگای سه‌برا و شاتایلا	کودکان کمپ صبرا و شاتایلا
بوو به سووتووی دهم ره‌شه‌با	خاکستر باد ناموافق شد
منالانی کوردستانی خووشه‌ویستی	کودکان کردستانی عشق
گولی ره‌شیان له یه‌خه‌دا	گل سیاه را به یقه زدند
له‌تیف هه‌لمه‌ت ده‌یان شی‌یری	لطیف هلمت ده‌ها شعر را
باراند به‌سه‌ر زایوئیدا وه‌کوو بو‌مبا	همچون بمب بر سر صهیونیست‌ها ریخت
به‌لام کاتی که پرچی روژ هه‌له‌بجه‌بی	اما روزی که زلف روژ حلبچه‌ای
له‌جیی عه‌تر هه‌وری کیمایی پیا‌کرا	به جای عطر، ابر شیمیایی بر آن بارید
مه‌حموود ده‌رویش له‌میسر پاییی ده‌کیشا	محمود درویش در مصر پیپ می‌کشید
هه‌والی خو‌ی بو‌روژنامه‌کان ده‌نارد	خبر خودش را برای روزنامه‌ها فرستاد
سمیح القاسمیش خودی خو‌ی	سمیح فلاح هم خود خودش را
بو‌سه‌روکی شاره‌وانیی شاری عه‌نکا هه‌لبژارد	برای ریاست شهرداری شهر عنکا کاندید کرد

(هه‌لمه‌ت، ج ۳، ۱۳۹۵: ۲۵۱)

لطیف هلمت در شعر فوق با نام بردن از کمپ آوارگان و کودکانی که در جهان پر از عصمت خود در این کمپ‌ها می‌زیند، **تقابلی برجسته با ستمگرانی چون صهیونیست‌ها** ایجاد کرده است. در بخش میانی شعر نیز با انتقاد از شاعرانی چون محمود درویش و سمیح فلاح اظهار کرده است که وی به عنوان شاعری متعهد و ملتزم می‌بایستی غم کودکان و مردمان بی‌گناه حلبچه را می‌داشت اما این انتقاد بر محمود درویش و سمیح فلاح وارد است که در برابر ستمی که بر کردهای حلبچه اعمال شد، شعری اعتراضی نسروده است این در حالی است که لطیف هلمت به عنوان یک شاعر متعهد کرد، غم کودکان آواره فلسطینی را دارد و در شعرش از آنان نام برده است.

### گفتمان بیدارگرانه و ستایش آزادی

به کار بردن مضمون بیدارگرانه و گفتمان انقلابی در شعر شاعران رمانتیست با گرایش به رمانتیسم اجتماعی بسامد بالایی دارد. در این نوع از اشعار که نمونه‌های فراوانی را می‌توان در دوره بیداری و پس از مشروطه در ایران نام برد، سخن گفتن از آزادی و ضرورت پرداختن به مبارزه و روشنگری در اجتماع به صورت برجسته‌ای به شعر راه یافته است. شاعر رمانتیست بر خود لازم می‌داند که در اشعارش سخن از آزادی بگوید و نهبی به خواننده بزند تا از انفعال و رکود خارج شود و به سطحی از بیداری اجتماعی برسد.

### بیدارگری و ستایش آزادی در اشعار ابتهاج

هوشنگ ابتهاج، شاعری است که در اشعار خود *تلفیقی از غنا و بیدارگری* را به کار گرفته است. گفتمان انقلابی و بیدارگری در بسیاری از اشعار ابتهاج به چشم می‌خورد و در کنار مضامین غنایی، آمیزه‌ای از رمانتیسم فردی و اجتماعی را پیش چشم خواننده قرار می‌دهد. ابتهاج، در غنایی‌ترین اشعارش نیز از درد اجتماع و هر آن چه تحت عنوان رمانتیسم اجتماعی جای می‌گیرد غافل نبوده است.

«بهار آمد بیا تا داد عمر رفته بستانیم  
به پای سرو آزادی سر و دستی برافشانیم  
شرار ارغوان و اخیز خون نازنینان است  
سمندروار جان‌ها بر سر این شعله بنشانیم»

(*ابتهاج، ۱۳۸۹: ۱۴۸*).

در نمونه‌ی شعری فوق، شاعر با بهره‌گیری از عبارت امری و اظهاری، مخاطب شعر را به حرکت ترغیب می‌کند. شاعر در مصراع دوم شعر فوق با نام بردن از برخی ارزش‌های اجتماعی و سیاسی مانند *آزادی*، *جان و خون* و تلفیق این مفاهیم با مضامین غنایی همچون سرو، ارغوان و مانند آن، به مخاطب شعر نهب می‌زند.

«به دست رنج هر ناممکنی ممکن شود آری  
بیا تا حلقه اقبال محرومان بچنابیم  
الا ای ساحل امید سعی عاشقان دریاب  
که ما کشتی در این طوفان به سودای تو می‌رانیم»

(*ابتهاج، ۱۳۸۹: ۱۴۹*).

مضمون دعوت به تلاش و یاری رساندن به محرومان یکی دیگر از مضامینی که هوشنگ ابتهاج در ترغیب مخاطب به کار برده است. شعر فوق نیز از جمله اشعار ابتهاج است که در گروه اشعار بیدارگرانه جای

می‌گیرد. شاعر در این شعر با **گفتمانی ترغیبی و با تکیه بر امید**، خود و مخاطب شعر را به تلاش و پرهیز از انفعال دعوت می‌کند.

«آبی که برآسود زمینش بخورد زود  
دریا شود آن رود که پیوسته روان است»

(همان: ۱۷۲).

ابتهاج در شعر فوق از تمثیل آب راکد و آب جاری جهت قیاس کردن مردمان منفعل با مردمان تلاشگر استفاده کرده است. آبی که راکد است به مرور زمان در زمین فرومی‌رود و می‌خشکد اما آبی که جاری و روان است پیوسته در تلاش است و در نهایت به دریا می‌ریزد. شاعر با بیان این تمثیل قصد دارد **با گفتمانی بیدارگرانه، مخاطب را از انفعال و رکود بر حذر دارد** و او را به تلاش و پویایی دعوت کند.

### بیدارگری و ستایش آزادی در شعر هلمت

لطیف هلمت نیز به مانند ابتهاج در اشعارش، به مضامین بیدارگرانه پرداخته است. در شعر لطیف هلمت، اشعاری در **ستایش تلاش و برخاستن یا نکوهش انفعال و رکود** به چشم می‌خورد. این دست اشعار ناظر بر رویکرد رمانتیستی شاعر از نوع رمانتیسم اجتماعی است. در این بخش از تحقیق به نمونه‌هایی از شعر لطیف هلمت اشاره خواهد شد که در آن، شاعر با گفتمانی انقلابی و بیدارگرانه، به ستایش برخی مضامین ارزشی و نکوهش ضد ارزش پرداخته است.

به منالی له داره‌وه فی‌ر بووم که چون	در کودکی ام از درخت آموختم که چگونه
له ژیر شه‌سته بارانی شاره که مدا رابوه‌ستم	زیر باران یک ریز شهرم بایستم
له پروباره‌وه فی‌ر بووم چون	از رود آموختم که چگونه
هر برؤم و پر له گول و نان بی ده‌ستم	بروم و دستانم لبریز از نان و گل باشد
له په‌لکه زیرپینه‌وه فی‌ر بووم	از رنگین کمان آموختم
چون گشت جیهان	که چگونه همه جهان
به عه‌شقی خؤم بیه‌ستم	را با عشق خودم بیندم
له هه‌تاوه‌وه فی‌ر بووم چون	از آفتاب آموختم که چگونه
دیواری تاریکی بدرم	دیوار تاریکی را بدرم
له هه‌وره‌وه فی‌ر بووم که چون	از ابر آموختم که چگونه
بوئ‌ه‌وه‌ی زه‌وی گول بگری	در اوج بمیرم تا
له سهر لووتکه‌دا بمرم	زمین گل بدهد

(هه‌لمه‌ت ج ۱، ۱۳۹۵: ۲۲۷)

شاعر در شعر فوق بر التزام و تعهد اجتماعی خود به عنوان **شاعری بیدارگر و بیزار از رکود و انفعال** صحنه گذاشته است. مقصود شاعر در قالب عبارتهایی خبری و اظهاری با دلالت‌های ثانویه ترغیب و تهییج، بیان شده است. خواننده با خواندن شعر تحت تأثیر فضای بیدارگرانه و انقلابی آن قرار می‌گیرد. شاعری که ایستادگی را در کودکی از درختان آموخته است؛ بخشندگی را از رود، دریدن تاریکی را از آفتاب و مرگ در اوج را از ابر آموخته است. وامداری و گرایش شاعران معاصر به عناصر طبیعی در این پاره شعری به طور آشکار مشاهده می‌شود. شاعر **مضامین بیدارگرانه‌ای چون ایستادگی، بخشندگی، رهایی از تاریکی و مردن در اوج عزت** را با مضامین و عناصر طبیعی چون درخت، رود، آفتاب و ابر آمیخته است. این رویکرد، پیوند اساسی با طبیعت‌گرایی شعر معاصر دارد که نه تنها در شعر معاصر فارسی بلکه در شعر معاصر کردی نیز به شکلی برجسته قابل دریافت است. هلمت نیز متأثر از اندیشه‌ی نوگرایان در شعر معاصر است و در این میان از آرای معاصرین ادب فارسی و بویژه ابتهاج در بهره‌گیری از طبیعت غافل نبوده است.

### نکوهش ستم، قدرت و جنگ‌طلبی

نکوهش ستم از جمله مضامینی است که توأم با مفاهیمی چون قدرت، جنگ و مانند آن در شعر شاعران رمانتیست بیان شده است. شاعران متعهد و ملتزم، همواره در شعرهای خود از جنگ و ستم اظهار انزجار کرده‌اند و در تقابل با این مضمون به ستایش عدالت و صلح پرداخته‌اند و ستم‌دیدگان را تکریم کرده‌اند.

### نکوهش ستم، قدرت و جنگ‌طلبی در شعر ابتهاج

عزیزم دخترم آنجا شگفت انگیز دنیایی ست  
 دروغ و دشمنی فرمانروایی می کند  
 آنجا طلا: این کیمیای خون انسان ها خدایی می کند  
 آنجا شگفت انگیز دنیایی که همچون قرنهای دور  
 هنوز از ننگ آزار سیاهان دامن آلوده ست.  
 آنان برای دشمنی با من برای دشمنی با تو برای دشمنی با راستی  
 اعدام شان کردند  
 و هنگامی که یاران با سرود زندگی بر لب به سوی مرگ می رفتند  
 امیدی آشنا می زد چو گل در چشم شان لبخند.

(ابتهاج، برای روزنبرگها/ یادگار خون سرو)

ابتهاج در شعر فوق با به‌کارگیری انبوهی از نشانه‌هایی چون «دشمنی، فرمانروایی، آزار سیاهان، اعدام، مرگ، زندگی و امید» به **طور ضمنی ستم و جنگ و دشمنی را نکوهش کرده است**. این مضمون یکی از مضامین ادب رمانتیستی به شمار می‌آید.

با تمام خشم خویش با تمام نفرت دیوانه وار خویش می کشم فریاد ای جلاد ننگت باد  
 آه هنگامی که یک انسان می کشد انسان دیگر را می کشد در خویشتن انسان بودن را  
 می درخشد زیر برق چکمه های تو لکه های خون دامنگیر  
 و به کوه و دشت پیچیده ست نام ننگین تو با هر مرده باد خلق کیفر خواه  
 و به جا مانده ست از خون شهیدان برسواد سنگ فرش  
 راه نقش یک فریاد : ای جلاد ننگت باد

(ابتهاج، بر سواد سنگفرش راه / شبگیر)

انزجار شاعر از *بیداد*، *ستم* و *بی عدالتی*، همچنین *اظهار درد* و *ناله* در برابر *کشتن انسان ها* از جمله مختصات و ویژگی های ادب رمانتیستی است و در شعر فوق از ابتهاج، این مضمون به کار گرفته شده است.

### نکوهش ستم، قدرت و جنگ طلبی در شعر هلمت

لطیف هلمت در اشعارش، شاعری مبارز و دادخواه است که نفی ستم و ستایش آزادی و عدالت را به عنوان یکی از مفاهیم و مضامین شعری خود قرار داده است. در شعر هلمت، ستمکاران همواره نکوهش شده و ستمدیدگان تکریم می شوند. در اندیشه لطیف هلمت، ستم غالباً از جانب دستگاه قدرت است و انسان ستمدیده به عنوان قربانیان این دستگاه معرفی می شوند.

در دهستی زورداره کاندا	در دستان صاحبان قدرت
چه قوی گر و	چاقوی شعله و
له زه ویدا زیندان ده پروئ	در زمین زندان می روید
له دلماندا په پنجره ی نوی	در قلبمان پنجره نو
له زه ویدا پؤلیس ده پروئ	در زمین پلیس می روید
له سهر له شماندا لیس ده پروئ	روی جسممان کتک می روید
له ملماندا گوریس ده پروئ	در گردنمان طناب می روید
له گیانماندا جیهانی نوی	در جانمان جهانی نو می روید

(هه لمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۶۹۰)

لطیف هلمت در نمونه شعری فوق با به کارگیری نشانه هایی چون قدرت، چاقو، شعله، زندان، پنجره، پلیس، کتک، طناب، گردن و جان *انبوهی از نشانه های دال بر مضمون مبارزه* و تلاش انسان در راستای *عدم پذیرش ستم ستمکاران* را گرد هم آورده است. شاعر در این شعر معتقد است علیرغم غلبه ی ستمکاران و صاحبان قدرت که ابزارهای کنترل و تنبیه چون زندان، پلیس، به دار آویختن و ... را در دست دارند، انسان نباید امیدش را از دست



بدهد. به همین دلیل پس از توصیف فضای بسته و خفقان، در مصراع پایانی *گفتمان/ امید* را می‌پروراند و می‌گوید  
علیرغم آن همه نشانه‌ی منفی، جهانی نو در جان انسان می‌روید.

شعر هر شاعر دلسوزی را	شعیری هم‌موو شاعیریکی دلسوزیان
به لانه‌ی پرنده درد بدل کرده‌اند	کرد به لانه‌ی بال‌داری ئیش
زرتشت، اهورا	زهرده‌شت، بووزا
ابراهیم، موسا	ئیراهیم، موسا
عیسی	عیسا
محمد	محمه‌د
زار زار گریستند	به خور گریان
نامه‌ای سخت و غضبناک مهر کردند	نامه‌ییکی رَهق و تووره‌یان مؤر کرد
برای سازمان ملل	بۆ نه‌وه‌یه کگرتووه‌کان

(هه‌لمه‌ت ج ۱، ۱۳۹۵: ۷۱۸)

هلمت در شعر فوق، بر ستمی که بر جامعه بشری غالب است، انتقاد می‌کند و با نام بردن از پیامبران ادیان توحیدی، به عنوان راهنمایان و پیام‌آوران سعادت بشری، کوشیده است، *شدت بی‌عدالتی و نابسامانی* را در اجتماع بازنمایی کند. ذکر نام سازمان ملل در پایان شعر، نوعی انتقاد تند نسبت به قراردادهای اجتماعی وضع شده در سطح جهان است زیرا علیرغم آن که بشر در عصر کنونی نهادی به نام سازمان ملل را تأسیس کرده است، اما نهاد وضع شده، فاقد اعتبار است و توان بازدارندگی در برابر ستم مردمان را ندارد.

در عصری که بیشتر واژه‌ها	له چه‌خیکدا که زۆریه‌ی زۆری وشه‌کان
انتقام و سگی شکاری هستند که برای	تۆله و تانجین که رویشک ده‌گرن بۆ سولتان
سلطان خرگوش شکار می‌کنند	برسیتی و ژان
گرسنگی و درد	چه‌وساوه‌کان فیر ده‌کات
ستم‌دیدگان را می‌آموزد	چۆن دل‌داری بکه‌ن له‌گه‌ل
که چه سان با درخت و سنگ و رود میهن	دار و بهرد و چه‌می ولات
نرد عشق بیازند	فیریان ده‌کات
می‌آموزدشان	چۆن به‌ندیخانه و زیندان
چه سان همه زندان‌ها را	هم‌مووی بکه‌ن
به کارگاه و مدرسه و مهدکودک بدل کنند...	به کارگه و فیرگه و باخچه‌ی منالان

(هه‌لمه‌ت ج ۱، ۱۳۹۵: ۷۶۳)

شاعر در شاهد شعری فوق نیز به مانند نمونه‌ی قبلی **تقابل میان قدرتمندان ستمگر و ستمدیدگان و گرسنگان** را بازنمایی کرده است. شاعر با نام بردن از ستمدیدگان، گرسنگان، کارگاه، مدرسه و مهدکودک، تقابلی آشکار با مفاهیمی چون سلطان، شکار، زندان و مانند آن ساخته است. میهن‌دوستی و التزام ستمدیدگان به مفاهیمی با بن‌مایه‌ی رمانتیستی همچون الفت گرفتن با درخت، سنگ، رود و تمام عناصر طبیعی میهن در شعر فوق، تقابل این گروه از انسان‌های اجتماع را با گروه دوم (ستمگران و صاحبان قدرت) برجسته‌تر کرده است.

### تلفیق رمانتیسم فردی و اجتماعی

رمانتیسم فردی به برخی از مسایل عاطفی و احساسی شاعر ارجاع می‌یابد که می‌توان آن را فردی و شخصی تلقی کرد. عشق، بینادین‌ترین مضمون در رمانتیسم فردی به شمار می‌آید. وجه مشترک میان رمانتیسم فردی و ادب غنایی نیز همین مبحث عشق است. با این تفاوت که شاعر رمانتیست حتی در اشعار عاشقانه خود نیز غالباً از درد اجتماع غافل نیست. شاعران پیرو مکتب التزام که شاعرانی عمدتاً رمانتیست به شمار می‌آیند، در بسیاری از اشعار خود، دردمند جامعه و مردمان پیرامون خود هستند و حتی در فردی‌ترین عواطف و احساسات خود، رگه‌هایی از رمانتیسم اجتماعی را به کار می‌بندند. در برخی از اشعار این شاعران، حتی زمانی که اظهار عشق می‌کنند یا درباره عواطف شخصی خود نسبت به معشوق -خیالی یا واقعی- سخن می‌گویند، موضوع سخن را با آسیب‌های اجتماعی و درد مردمان جامعه پیوند می‌زنند.

### تلفیق رمانتیسم فردی و اجتماعی در شعر ابتهاج

هوشنگ ابتهاج بیشتر با غزل‌های عاشقانه‌اش شناخته شده است. وی در اجتماعی که لبریز از درد و آسیب است سخن از عشق می‌گوید و در بازنمایی عواطف و احساسات شاعرانه‌اش (رمانتیسم فردی) ناگزیر به مضامین اجتماعی (رمانتیسم اجتماعی) نیز توجه دارد.

«چند این شب و خاموشی؟ وقت است که برخیزم

وین آتش خندان را با صبح برانگیزم

گر سوختنم باید افروختنم باید

ای عشق بزنی در من کز شعله نپرهیزم»

(ابتهاج، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

هوشنگ ابتهاج اگرچه در بخشی از اشعارش، نشان‌هایی از سرخوردگی و **یأس ناشی از فضای پس از کودتای ۳۲ مرداد** را بازنمایی کرده است، اما وی همچنان به تحرک معتقد است و در شعر فوق در مقام کنشگر و فاعلی که نهیب آغاز می‌زند ظاهر شده است. ابتهاج **شاعری عاشق است و به همان اندازه شاعری ملتزم به رسالت اجتماعی خود** در مقام روشنفکر و شاعر است. به همین دلیل در شعر فوق نیز آمیزه‌ای از این دو (عاشقی و بیدارگری) را می‌توان نشان داد. اراده شاعر برای پایان دادن به خاموشی و

تاریکی در قالب عبارتی پرسشی بیان شده و معنای ضمنی آن برخاستن و القای گفتمان بیدارگرانه است. در مصراع پایانی نیز از عشق می‌طلبد تا شعله در وجود وی زند. بدین ترتیب، ابتهاج در شعر فوق به عنوان بیدارگری عاشق ظاهر شده است که صفت بیدارگری ناظر بر رمانتیسم اجتماعی و صفت عاشقی ناظر بر رمانتیسم فردی خواهد بود.

شرار ارغوان واخیز خون نازنینان است  
سمندروار جان‌ها بر سر این شعله بنشانیم.

(همان: ۱۴۸)

در شعر فوق، عشق از حوزه‌ی احساسات و عواطف فردی و شخصی خارج شده است. شاعر، در سطحی فراتر از عواطف و دغدغه‌های شخصی خود به خون ریخته شده و جان از دست رفته‌ی نازنینان اشاره و اظهار کرده است که عاشقانه جان در این راه می‌گذارد. بنابراین شعر فوق یکی از شاهدهای شعری است که نشان نمی‌دهد ابتهاج در مفهوم‌پردازی عشق نیز تنها به عشق و عواطف فردی‌اش توجه ندارد و در کنار **دغدغه‌های رمانتیستی فردگرایانه‌اش، این دست مضامین ناظر بر رمانتیسم اجتماعی** بارها تکرار شده است.

بنشینیم و بیندیشیم این همه با هم بیگانه  
این همه دوری و بیزاری به کجا آیا خواهیم رسید آخر؟  
و چه خواهد آمد بر سر ما با این دل‌های پراکنده؟

(ابتهاج، تشویش / چند برگ از یلدا)

مضمون اصلی شعر فوق، **توصیه‌ی شاعر به یکدلی و حفظ وحدت** است و می‌توان آن را شعری رمانتیستی از نوع رمانتیسم اجتماعی پنداشت. اما مفهوم مورد نظر شاعر (یکدلی و وحدت) که مفهومی ناظر بر رمانتیسم اجتماعی است با تکیه بر مفهوم عشق و عشق‌ورزی بیان شده است تا تعامل و تناظر میان رمانتیسم فردی و اجتماعی در این شعر به شکلی برجسته بازنمایی شود.

در روی من مخند شیرینی نگاه تو بر من حرام باد  
بر من حرام باد ازین پس شراب و عشق  
بر من حرام باد تپش‌های قلب شاد

(ابتهاج، شعر کاروان / دفتر شبگیر)

ابتهاج در شعر فوق که بخشی از شعر کاروان است، عشق ورزیدن و پرداختن به عواطف فردی را بر خود حرام می‌داند زیرا دردهایی که در اجتماع هست، **شاعر را از پرداختن به امور شخصی و فردی خود باز می‌دارد و در سطحی فراتر، مسایل و دردهای اجتماع را مقدم می‌داند.** این بخش از شعر کاروان نیز

همچون سایر بخش‌های همان شعر، اندیشه‌ی ابتهاج را در مقدم دانستن رمانتیسم اجتماعی بر رمانتیسم فردی نشان می‌دهد.

### تلفیق رمانتیسم فردی و اجتماعی در شعر لطیف هلمت

لطیف هلمت نیز به مانند هوشنگ ابتهاج، اشعار عاطفی بسیاری سروده است؛ اما مضمون غنایی در شعر لطیف غالباً با مضامین رمانتیستی از نوع رمانتیسم اجتماعی آمده است. به ندرت می‌توان شعری از هلمت یافت که در آن منحصراً مضمون غنایی عشق آمده باشد و سخنی از اجتماع، درد میهن، فقر و گرسنگی، کودکان آواره و مضامینی از این دست به میان نیامده باشد. بر این اساس شعر هلمت نیز مانند ابتهاج تلفیقی از رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی است و شاعر در فردی‌ترین عواطف و احساسات خود از رسالت اجتماعی و تعهدش نسبت به درد انسان‌های پیرامونش غافل نیست. لطیف هلمت شاعر اجتماع است. وی به همان اندازه که عواطف فردی‌اش را در شعر طرح کرده است، به مضامین اجتماعی و بیان دردهای جامعه نیز توجه دارد.

من ره‌نگه هه‌تاهه‌تایه... پاره‌ی نه‌نگوستیله‌ییکم	شاید تا ابد... بهای یک انگشتر را نتوانم
نه‌بی که بیکه‌مه په‌نجه‌ت	بپردازم
به‌لام‌گه‌ر حه‌زه‌بکه‌ی هه‌تاهه‌تایه	تا در انگشتت کنم
قوّل و باسکم له‌گه‌ردنت ده‌تالیئم	اما اگر بخواهی تا ابد
من ده‌زانم	بازو و دستانم را در گردنت می‌آویزم
تو پیت ناخوّشه	من می‌دانم
ده‌سته‌بۆر و مه‌ره‌که‌باوییه‌کانم	تو دستان تیره و مرکب‌آلود من را
واز له:	دوست نداری
پرچ و	زلف و
گوّنا و	گونه و
لامل و	گردن و
ژیر مل و مه‌چه‌کت...	مچت دستانت را
ناهیئن	رها نمی‌کنند
ئای گیانه	آه... جانم
تو ده‌ستی مناله‌هه‌ژاره‌کانت نه‌دیوه	تو دستان کودکان فقیر را ندیده‌ای
چۆن له‌نان گیر ده‌بی و	که چه سان گرده‌ی نان را می‌گیری
پیوه‌ده‌نووسی...	و به آن می‌چسبید....
من ناویرم ناو ده‌مت هه‌لمژم	من می‌ترسم که درون دهانت را بمکم
	می‌ترسم به خانه که برگشتی و مادرت

تورا بوسید  
 بگوید  
 دهانت بوی شعر می دهد...  
 نه ترسم که چوویته وه بو مال و دایکت ماچی  
 کردی  
 بلّی بؤنی شیعر له دهمت دی...  
 (ههلمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۲۵۴)

**تلفیق عواطف و احساسات شاعرانه با التزام و تعهد اجتماعی** شاعر، برون دادی رمانتیستی خواهد داشت که ترکیبی از رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی را به مخاطب انتقال می دهد. در شعر فوق، لطیف هلمت در ظاهر با معشوق خیالی و شعری خود سخن می گوید و فردی ترین عواطف و احساسات خود را خطاب به این معشوق خیلی اظهار می کند. اما در همان حال، از تعهد و التزام نسبت به دردهای جهان پیرامونش غافل نیست و برخی آسیب های اجتماعی چون فقر و گرسنگی کودکان تهدیدست محتاج نان را به درون کلام شعری خود می کشد. بدین ترتیب، شاعر در شعر خود همزمان هر دو گونه ی رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی را به کار گرفته است.

چی ده زانی جیاوازی له نیوانی برژوازی و زالوودا  
 چیه؟  
 سێ شت به بی ده سنوێژ توخنیان مه که ون  
 یه که م فورئان  
 دووهه م ئافره ت  
 سیهه م شیعر  
 ... من فههادم به لام دلداره که م شیرین نیه  
 دلداره که م ولاته که مه ولاته که م  
 من فههادم به لام ئەم جاره بیستوون  
 هه لئاکو لّم  
 نه خشه ی زهوی ده گو رّم  
 چه کسی تفاوت میان بورژوازی و زالو را  
 می داند؟  
 هرگز بدون وضو سراغ سه چیز نروید  
 نخست قرآن  
 دوم زن  
 سوم شعر  
 ... من فههادم اما معشوق من شیرین  
 نیست  
 معشوق من میهنم است میهنم  
 من فههادم اما این بار بیستون را نمی کنم  
 نقشه زمین را تغییر می دهم

(ههلمهت ج ۱، ۱۳۹۵: ۸۱۰ و ۸۱۱)

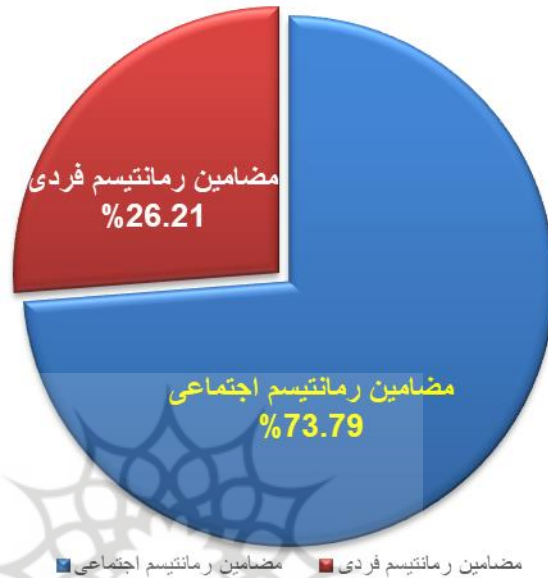
هلمت از جمله شاعرانی است که قدرت را با دیده ی نکوهش می نگرد و معتقد است که صاحبان قدرت، به ستم و فساد روی می آورند. هویت آن دست از انسان هایی که دارای قدرت هستند و شاعر از آنان تحت عنوان ستمگر یاد می کند، تقابل آشکاری با هویت سرشار از عاطفه شاعر دارد. وی در شعر فوق، بورژواها را به زالو مانند کرده و در تقابل با آنان از شعر، زن و قرآن به عنوان اموری مقدس سخن رانده است. بر این اساس **تقابل میان زیست جهان ستمگران و دنیای لبریز از عواطف شاعرانه** با ذکر مفاهیمی چون

عشق، میهن و تلمیح به ماجرای عاشقانه شیرین و فرهاد بازنمایی شده است تا آمیزه‌ای از رمانتیسم فردی و رمانتیسم اجتماعی در شعر فوق حضور یابد و تقابل بنیادین مذکور برجسته شود.

### نتیجه‌گیری

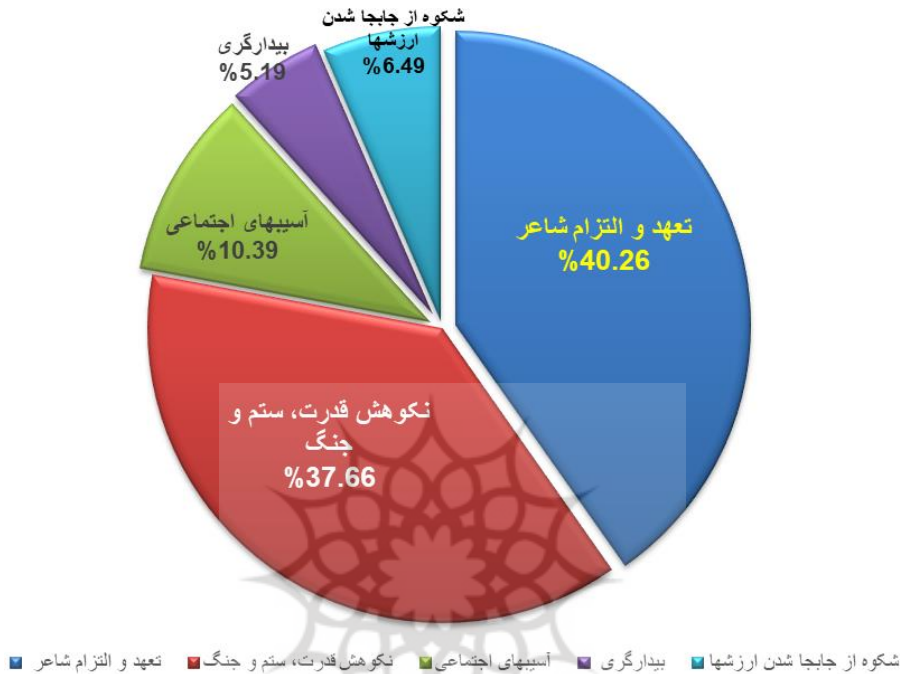
هوشنگ ابتهاج و لطیف هلمت دو شاعر معاصر فارس و کرد هستند که در سبک و مضامین شعری اشتراکاتی دارند و بررسی محتوایی اشعار این دو شاعر معاصر در حوزه ادبیات تطبیقی سویه‌های مهمی از پیوندهای ادبی و فرهنگی میان دو ملت را آشکار کرد. اشعار هوشنگ ابتهاج و لطیف هلمت در وهله‌ی نخست از نظر طرز بیان و سبک شاعری دارای قرابت‌هایی هستند که موضوع پژوهش حاضر نیست و مستلزم انجام پژوهش‌هایی با رویکرد فرمالیستی (صورت‌گرایانه) و بررسی ساختار شعر این دو شاعر است. اما از نظر محتوایی می‌توان نقاط اشتراک و افتراقی در میان این دو شاعر یافت که دال بر شناخت عمیق لطیف هلمت از ادب ملت‌های همسایه و بویژه ادب فارسی است. لطیف هلمت بارها خود نیز به توانایی‌اش در زمینه زبان و ادب فارسی اشاره کرده و با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان ادعا کرد این شاعر معاصر کرد، خواسته یا ناخواسته (تعمداً یا ناآگاهانه) در محتوا و مضمون اشعارش بسیار به هوشنگ ابتهاج در ادبیات فارسی نزدیک است و به نظر می‌رسد که این سطح از قرابت‌های فکری و بیانی، اتفاقی نبوده است. در پژوهش حاضر مبحث رمانتیسم در شعر این دو شاعر بررسی شد و در نهایت با یافتن ۱۰۲ نمونه‌ی شعری حاوی مضمون رمانتیسم اجتماعی و فردی، شاهد‌های شعری به ترتیب و تفکیک موضوع و مضمون طبقه‌بندی شدند. نتایج زیر محصول طبقه‌بندی مضامین رمانتیستی از نوع فردگرایانه و اجتماعی است: اولاً از مجموع ۱۰۳ نمونه‌ی شعری که حاوی مضامین رمانتیستی است تنها ۲۷ (کمتر از ۲۷ درصد) مورد آن از نوع رمانتیسم فردی بوده و ۷۶ مورد (بیشتر از ۷۳ درصد) آن دارای مضامین رمانتیستی از نوع رمانتیسم اجتماعی بوده است. از این تعداد نیز ۸ بار لطیف هلمت و ۱۹ بار هوشنگ ابتهاج، اشعاری دارای مضمون رمانتیسم فردی به کار برده‌اند. بسامد کاربرد مضامین فردی در اشعار این دو شاعر معاصر بیانگر آن است که هر دو شاعر، جنبه‌ی اجتماعی رمانتیسم را برتر از جنبه‌ی فردگرایانه‌ی آن دانسته‌اند و شاعرانی متعهد و ملتزم به رسالت اجتماعی خود بوده‌اند. این ویژگی از مختصات اصلی رمانتیسم اجتماعی در دیدگاه بزرگان این مکتب به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان لقب شاعر اجتماع را به هر دو شاعر بخشید.

## نمودار درصدی بسامد رمانتیسم فردی و اجتماعی در شعر ابتهاج و هلمت



ثانیاً از ۷۶ موردی که به عنوان نمونه‌های دارای مضمون رمانتیسم اجتماعی در شعر ابتهاج و هلمت یافته شد تعداد ۳۱ مورد (بیش از ۴۰ درصد) آن دارای مضمون تعهد و التزام شاعر در برابر امور اجتماعی پیرامونش بوده است. تعداد ۸ مورد به آسیب‌های اجتماعی چون فقر، گرسنگی، بیکاری و مانند آن اشاره کرده است؛ تعداد ۴ چهار مورد حاوی گفتمان بیدارگرانه و در ستایش آزادی بوده است. ۲۹ مورد (بیش از ۳۷ درصد) آن به نکوهش قدرت، ستم و جنگ اختصاص یافته است و تعداد ۵ شاهد شعری نیز در شکوه از جابه‌جا شدن ارزش‌ها و ضدارزش‌ها سروده شده بود. در این میان مضمون تعهد و التزام اجتماعی شاعران در شعر ابتهاج ۱۸ بار و در شعر هلمت ۱۳ بار تکرار شده است. نکوهش قدرت، ستم و جنگ، در شعر ابتهاج ۵ بار و در شعر هلمت ۲۴ بار آمده است. و سه مضمون آسیب‌های اجتماعی، بیدارگری و شکوه از جابه‌جا شدن ارزش‌ها در مجموع ۱۷ بار در شعر این دو شاعر آمده است. این اعداد از نظر نموداری نیز قابل بررسی است. نمودار درصدی بسامد این مضامین را به شکل زیر می‌توان نشان داد:

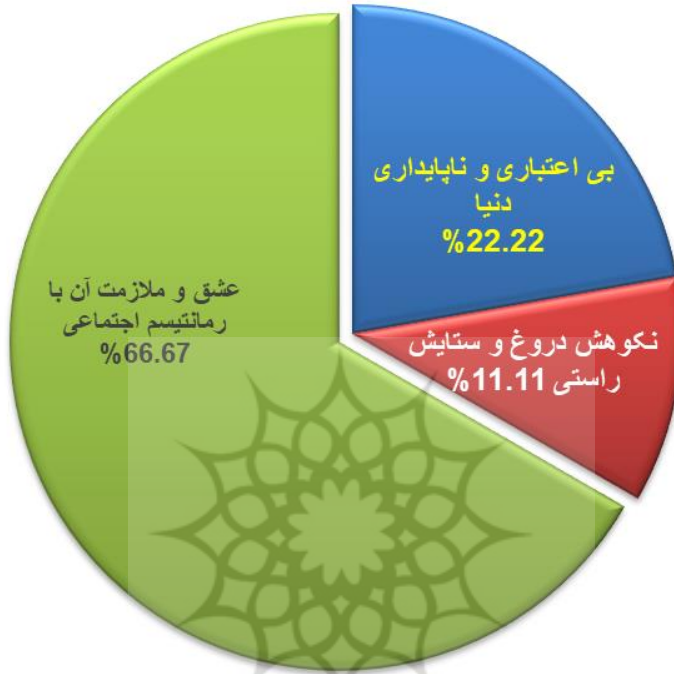
نمودار درصدی بسامد رمانتیسم اجتماعی در شعر ابتهاج و هلمت



از تعداد کل اشعاری که دارای مضمون رمانتیستی از نوع رمانتیسم فردی بودند (۲۷ نمونه شعری)، سه مضمون اصلی را ذیل مضامین حکمی و اخلاقی دسته‌بندی کردیم که عبارت بودند از: بی‌اعتباری و ناپایداری دنیا، مضمون اخلاقی نکوهش دروغ و ستایش راستی، مضمون عاطفی عشق و ملازمت آن با رمانتیسم اجتماعی. در این میان تعداد ۶ مورد به بی‌اعتباری دنیا و ناپایداری جهان مادی اختصاص یافته است. تمام این شش مورد در شعر ابتهاج یافته شد که به نظر می‌رسد ابتهاج در این مورد میراث‌دار سبک عراقی در ادب کلاسیک فارسی است. در اشعار هلمت نمونه‌ای دال بر مضمون ناپایداری جهان مادی یافت نشد. مورد دوم: مضمون اخلاقی ستایش راستی و نکوهش دروغ در اشعار ابتهاج یک نمونه و در شعر هلمت دو نمونه یافته شد. برای مضمون عاطفی نیز به عنوان سومین دسته از مضامین حکمی ذیل رمانتیسم فردی، ۱۸ شاهد شعری یافته شد که ۱۲ نمونه‌ی آن در شعر ابتهاج و ۶ نمونه در شعر هلمت بود. نمودار درصدی رمانتیسم فردی به تفکیک مضمون‌های سه‌گانه‌ی مذکور به شکل زیر است:



نمودار درصدی بسامد رمانتیسم فردی در شعر ابتهاج و هلمت



عشق و ملازمت آن با رمانتیسم اجتماعی ■ نکوهش دروغ و ستایش راستی ■ بی اعتباری و ناپایداری دنیا ■

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

منابع

ابتهاج، هوشنگ (۱۳۹۲)، تاسیان، تهران، کارنامه  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، سیاه مشق، تهران، کارنامه  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷)، بانگ نی، تهران، کارنامه  
 \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، راهی و آهی (منتخب هفت دفتر شعر)، تهران، سخن  
 اقبالی، ابراهیم؛ رسول زاده، حسین (۱۳۸۹)، بررسی عناصر ساختار غزل‌های سیاسی- اجتماعی در اشعار هوشنگ  
 ابتهاج و شفیعی کدکنی، تاریخ ادبیات، شماره ۶۱/۳، صص ۲۷-۴۴  
 ایوت، تی. اس (۱۳۷۵) برگزیده آزاد در قلمرو نقد ادبی، ترجمه سید محمد دامادی، تهران: علمی  
 انوشیروانی، علیرضا (۱۳۹۸)، نابسامانگی ادبیات تطبیقی در ایران، ادبیات معاصر پارسی، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۲۶،  
 صص ۸۱-۱۱۲  
 جعفری جزی، مسعود (۱۳۷۸) سیر رمانتیسم در اروپا، چاپ اول، تهران: مرکز  
 حسین‌پورچافی، علی (۱۳۸۴) جریان‌های شعری معاصر فارسی، تهران: امیرکبیر

- دادخواه، حسن؛ حیدری، محسن (۱۳۸۵) رمانتیسم در شعر بدر الشاکر السیاب، **نشریه ادب و زبان**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان، شماره ۱۹، ۱۱۵-۱۲۹
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، ادبیات تطبیقی در ادبیات معاصر فارسی، **سخن عشق**، شماره ۱۸، صص ۱۷-۲۷
- سلطان پور، منیر (۱۳۹۱) فردیت در شعر معاصر، **گفتمان اندیشه معاصر**. کتاب الکترونیکی
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۱) **مکتب‌های ادبی**، جلد اول، تهران: نگاه
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲)، انواع ادبی و شعر فارسی، **رشد آموزش ادب فارسی**، سال ۸، شماره ۳۲، صص ۹۶-۱۱۹
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه سیدمرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، امیرکبیر
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) **دبارة ادبیات و نقد ادبی**، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر
- فورست، لیلیان (۱۳۹۱) **رمانتیسم**، ترجمه مسعود جعفری، تهران: مرکز
- ماری، پی‌یر (۱۳۹۵) **اومانیسیم و رنسانس**، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: آگه
- مندور، محمد (۱۹۹۵) **الشعر المصری بعد شوقی**، معهد الدراسات العربیه العالی
- نجومیان، امیرعلی (۱۳۹۱)، **به سوی تعریفی تازه از ادبیات تطبیقی و نقد تطبیقی**، پژوهش‌های ادبی، سال نهم، شماره ۳۸، صص ۱۱۵-۱۳۸
- ندا، طه (۱۳۸۳)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه هادی نظری منظم، تهران، نی
- ولک، رنه (۱۳۸۹)، **بحران ادبیات تطبیقی**، ترجمه سعید ارباب شیرانی، ویژه نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)، شماره ۲، صص ۸۵-۹۸
- هه‌لمت، له‌تیف (۱۳۹۵)، **کوی بهره‌مه شیعریه‌کان**، بانه، چاپ‌مه‌نیی مانگ
- یوشیج، نیما (۱۳۸۵)، **درباره‌ی هنر شعر و شاعری به کوشش سیروس طاهباز**، تهران، نگاه.

#### COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** محمدی برات، اسماعیل اسمین، بررسی تطبیقی مضامین رمانتیستی در شعر هوشنگ ابتهاج و لطیف هلمت، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۹۲-۶۷.